

ارمغان سده ۲۱

قبل از طرح و بررسی کلی مسایل و موضوعات، باید یادآور گردید که مخالفتها و ضد و نقیض گویی های جهانی، پس از فروریزی بلاک شرق و بخصوص از آغاز نخستین ربع سده ۲۱، بمثابة شرط دایمی همزیستی انسانها مبدل گردیده است. در طول این مدت زمان ۲۳ سال، به اصل موجودیت صلح ثابت و دوامدار که بسیاری از مردمان و باشندگان جهان انتظار آنرا داشتند تا بیش از پیش در شرایط صلح و امنیت عادلانه زندگی نمایند، توجه اندکی معطوف گردیده و وضعیت و حالت بیش از پیش بوخامت گرایید. در طول مدت زمان متذکره، بشریت شاهد چهار جنگ بمقیاس شرکت ایالات متحده و ناتو بود. (دو جنگ علیه عراق، جنگ علیه صربستان در بالکان و جنگ در افغانستان) همچنان سلسله رخدادها و برخوردهای مسلحانه منطوقی توسط ایالات متحده و همپیمانانش دامن زده شده و یالینکه از نیروهای دوست و همفکران شان، بمنظور کسب اقتدار سیاسی جامعه، حمایت و پشتیبانیهای بیدریغی بعمل آوردند.

حوادث و برخوردهای نظامی سال ۱۹۹۲، دومین جنگ لبنان طی سال ۲۰۰۷، تعرض گرجستان به اوسیتای جنوبی و اپخازی طی سال ۲۰۰۸، سرنگونی رژیم معمر قذافی طی سال ۲۰۱۱ در لیبیا، برخورد ها و زرد و خوردهای دوامدار نظامی در سوریه، وسعت مناطق فعالیت های تروریستی در شرق میانه با پیدایش حاکمیت خودخوانده «دولت اسلامی»، نسل کشی اهالی غیرمسلمان محل، بی ثباتی نظامی- سیاسی مزمن در برخی از کشورهای افریقایی رامیتوان بمثابة نکات قابل عطف توجه محسوب نمود. تعدادی از برخوردهای های متذکره مانند سابق همچنان ادامه دارد. اما باید خاطر نشان ساخت که خطر بسی از برخوردهای باصطلاح خوابیده، هنوز هم موجود میباشد.

خصوصیات، محتوی و شدت عمل برخوردهای مسلحانه، بصورت متواتر ویژگیهای کاملاً جدیدی بخود اختیار نموده است. فعالیت های مشترک نظامی بمعنی و مفهوم کلاسیک آن و با شرکت تعداد اندک افراد و بکارگیری انواع و اقسام پیشرفته سلاحها بمنظور کشتار و تخریب داشته های انسانی، سازماندهی میگردد. عمدتاً محرک اصلی برخوردها و تصادمات نظامی، شرکتها و کمپنی های جنگی و تسلیحاتی امریکایی و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) محسوب میگرددند. این قابل درک است که عملیات تمام عیار نظامی که در آن از انواع سلاحهای گوناگون و مختلف مربوط به قوای مسلح استفاده بعمل میآید، ممکن علیه حکومتها و رژیمهایی بکار گرفته شود که دارای اردوهای منظم و مسلح با انواع سلاحهای مورد نظر میباشند.

آخرین اتفاقاتی از این نوع طی دومین جنگ در عراق (سالهای ۲۰۰۳ - ۲۰۱۱) برای ایالات متحده بوقوع پیوست که طی آن پنتاگون با ۲۵۰ هزار از سربازان امریکایی وقوتهای نظامی ۴۹ کشور اقمارش، در عملیات متذکره شرکت ورزید. اما سیر حوادث نشان داد که تعداد تلفات قوای مسلح ایالات متحده در این جنگ، بیشترین تعداد تلفات پس از جنگ ویتنام بود، این رقم بتعداد ۵ هزار کشته و بیشتر از ۳۲ هزار زخمی تخمین میگردد.

مسأله قابل توجه در اینمورد یکی هم این میباشد که بخش اعظم تلفات بر نیروهای امریکایی نه در امر مبارزه با اردوی عراق، بلکه طی جنگهای نامنظم و پراکنده نیروهای مقاومت اسلامی در عراق وارد گردید. بدلیل عدم آماده گی قوای مسلح ایالات متحده در مبارزه طولانی مدت با گروههای غیر منظم در عراق و همچنان بعلت تلفات بیشمار نظامیان امریکایی، پنتاگون تصمیم گرفت تا بخش اعظمی از نیروهایش را از عراق فراخوانده و بصورت عجولانه به شکل اردوی عراق مبادرت ورزیده و تمامی شدت مبارزه علیه نیروهای مقاومت را بدوش قوای مسلح و نیروهای رزمی تحت کنترل رژیم بغداد قرار دهد.

اما در مورد کشور عزیز باید یادآور شد که وضعیت اجتماعی- سیاسی افغانستان برای ایالات متحده با وجود نبرد ۱۳ ساله کمپنی های نظامی ایالات متحده در سرزمین ما به مقایسه عراق تا حدودی متفاوت بود. اینک، کارکردهای کمپنی های جنگی ایالات متحده و ناتو در افغانستان ذیلاً خلاصه میگردد:

- بکارگیری وسیع نیروی هوایی (بشمول استفاده از طیاره های ستراتیژیک در مرحله نخست هجوم بکشور ما)؛

- انجام عملیاتهای محدود زمینی و بکارگیری نیروهای خاص عملیاتی در مناطق مهم و مملو از خطر؛

- نگهداری مناطق و شهرهای تحت کنترل دولت افغانستان؛

- دستگیری و بدام انداختن رهبران عمده مخالفین.

با اینحال، نتیجه ستراتیژی متذکره بیش از پیش مشکوک بوده و حتی طراحان آن نیز در باره متردد میباشند. ساختار وسیع شبکه یی طالبان، بنحوی از انحا در درگیریهای نظامی با استفاده از متودهای تروریستی و گوریلابی در محلات و مناطقی که دوران انتظار قوای نظامی امریکا و ناتو است، بفعالیتهای خرابکارانه خویش ادامه میدهند. در چنین حالت و وضعیتی، تعداد مجموعی سربازان امریکایی و ناتو در افغانستان، رقم ۱۳۰ هزار نفر را تشکیل میداد که فعالیتهای محاروبی و حملات هوایی را انجام میدادند و شامل دستجات عملیاتی، استخباراتی، حملات طیاره های بدون پیلوت، استفاده و بکارگیری از سلاحهای پیشرفته نظامی، کارگذاری مواد انفجاری قوی، استفاده از وسایل تخنیکی معاصر، بکارگیری طیاره های پیشرفته استخباراتی و عملیاتی بدون سرنشین و ۰۰۰ میگردد.

نه تنها بسیاری از کمپنیها و شرکتهای نظامی و جنگی پنتاگون، بلکه نیروهای نظامی و جنگی بیشتر از پنجاه کشور تحت رهبری ایالات متحده در کارزار افغانستان به فعالیتهای جنگی گماشته شدند. در طول مدت زمان سالهای جنگ و نبرد، نیروهای مخالف نه تنها خود را جمع و جور کردند، بلکه بتعداد نیروهایشان نیز افزایش بعمل آمده و همچنان بخشهایی از کشور را به تصرف خویش در آوردند.

کنون ایالات متحده و همپیمانانش بخش اساسی نیروهایشان را از کشور فراخوانده و در چنین حالتی در صدد آنند تا با استفاده از راهها و وسایل مورد نظر، حضور خویش را در کشور همچنان حفظ نمایند. اما هنوز نمیتوان در مورد، بصورت قطع ابراز نظر نمود، چه، حوادث و جریانات در کشور، هر لحظه در حال تغییر بوده و روزتار و متفاوت مییابد. به یقین کامل که پس از فراغت از مسأله افغانستان، قوای امریکایی و ناتو متوجه آسیای میانه شده و برخوردها و زد و خوردهای نظامی از افغانستان به منطقه یادشده انتقال داده خواهد شد.

یادآور بایشد که محتوای برخوردهای مسلحانه کنونی بخودی خود وابسته به فاکتورهای کاملاً جدیدی میباشد که مهمترین آنها میتوان ادامه ضد و نقیض گویبها و مخالفتهای در حال رشد بین المللی بشمار آورد. از یکجانب دول و حکومتهای بلاک غرب (ایالات متحده، اتحادیه اروپا، جاپان و سلسله کشورهایی که تحت نفوذ آنها قرار دارند)، از جانب دیگر گروه کشورهای آسیا- اروپا، شرق میانه و شرق نزدیک (قبل از همه روسیه، چین، جمهوری دموکراتیک مردم کوریا، ایران و سوریه)، دو جهت را در مورد تشکیل میدهند.

مخالفتهای متذکره، تصویر کلی ستراتیژیکی و ژئوپولیتیکی جهان را که دربرگیرنده ساحات اقتصادی، سیاسی، نظامی، اطلاعاتی- تبلیغاتی و غیره عرصه های زندگی حکومتات و دول و بصورت عمومی دربرگیرنده عرصه های مختلف موجودیت بشریت به مفهوم وسیع کلمه میباشد، مشخص میسازد.

بطور مشخص، در حین این مخالفت که مفهوم «جنگ پیوندی» را برای آن فائل گردیده اند، موقعیتی برای ایجاد اتحاد نظامی و سیاسی دول و حکومتاتی که اساس همکاری متقابل ستراتیژیکی را بنیان گذاشته و وقوع زد و خوردها و کشمکشهای جنگی و نظامی، پروسه رشد و تقویه نیروهای نظامی و دستیابی به سلاحهای کشنده بمنظور ادامه مبارزه مسلحانه، بیش از پیش مفاهیم جدید ستراتیژیکی کسب نموده و استفاده از پرسنسیبهای جدیدی که نیروهای مسلح در جنگهای جهانی و منطقوی بکار میگیرند، بخودی خود آغاز انواع مختلف برخوردهای منطقوی، بمثابه «انقلابهای نارنجی» و کودتاهای دولتی محسوب میگردد.

مخالفتها و ضد و نقیض گویی های جهانی بمثابه شرط پایدار و همیشگی وجود بشریت تلقی گردیده و بصورت متواتر شدت اختیار نموده و به کرانه های خطرناکی انجامیده است. در اینباره هیچ مورد جدیدی رانمیتوان سراغ نمود، اما ویژه گیهای مهمی موجود میباشد، از جمله: در شرایط امروزی، این مخالفتها در وضعیت و شرایط عدم موجودیت سیستم توازن دوقطبی جهانی بطرز قابل توجهی امر صلح و سلم جهان را به مخاطره مواجه ساخته و در هر ج و مرج نظامی- سیاسی زمینه برخوردها و مخالفتهای مسلحانه جهانی را بیش از پیش، مساعد و مهیا میگرداند.

به این مسأله بطور قابل توجهی باید اهمیت داد که در متن و مضمون درگیریهای مسلحانه، احساس معافیت از مجازات و آزاد گذاری متجاوزین، بیش از پیش به مشوق آنها برای ادامه فعالیتهایشان علیه مردمان ملکی و بی دفاع میدل میگردد، برضد مردمانیکه طی سالهای سال به ایجاد زیرساختهای صنعتی و اجتماعی پرداخته و آثار خلاق هنری آفرینند.

در اینمورد میتوان گت که جنگها و برخوردهای جهانی، معمولاً یک و یا دومراتبه طی یک سده بوقوع میپیوندد. اما نمیتوان در مورد، اصلاً اعتمادی داشت. برای وقوع آن همیشه آماده گیهای لازم را باید

داشت. در هر حالت و واقعه ای که توسط کشوری و یا توسط کشورهای از جهان صورت عملی بخود میگیرد، رهبران کشور در مورد آن جوابگو میباشند. «صلح میخواهی- برای جنگ آماده باش!»، حالت

مناسب این قاعده مسلم، ماندنی و همیشگی بنظر میرسد. بنابراین، تجزیه و تحلیل مخالفتها و تضادهای جهانی از منظر میلان آنها و طبق فورمولبندی نتیجه گیریها در مورد، بمثابة یکی از رسالتهای مهم امروزی علوم نظامی و فعالیتهای عملی ارگانهای سیاسی و کنترل نظامی حکومت و دولتها محسوب میگردد. بشریت در شرایط و وضعیت کنونی، بیش از پیش با برخوردهای مسلحانه منطوقی و محلی مواجه میباشند، از جمله:

- تشدید تضادهای بین الحکومتی و داخلی؛

- مبارزه بمنظور ایجاد ساحه نفوذ و تقسیم مجدد آن و دستیابی به منابع؛

- موجودیت تضادهای قومی، دینی و مذهبی؛

- تلاشهایی بمنظور تغییر رژیمهای سیاسی و تصاحب قدرت؛

- فعالیتهای نیروهای افراطی و گرایشهای تروریستی.

خطر برخوردهای مسلحانه اینچنینی و عدم توافق طرفهای درگیر در گرایش و مخالفت و ضدیت با حمایت از زندگی مردم و اهالی بیدفاع خلاصه میگردد. علاوه بر آن، آنها بصورت غیر قابل پیشبینی از ابتکار عمل مبتکرین جنگها و نبردهای نظامی متمایز گردیده، اصول و قوانین مرتبط با مفاهیم حقوق بشر و حفظ زندگی اهالی را اصلاً نادیده میگیرند. در بسیاری از کشورها از جمله در وطن عزیز ما افغانستان، سوریه، شرق میانه، افریقا، اکرابین و تمامی مناطقی که در آنها فعالیتهای تروریستی انجام می پذیرد، با چنین حالت و وضعیتی بر میخوریم.

اگر بصورت دقیق و موشگافانه به برخوردها و تصادمات نظامی و کلیه قضایای موجود بخصوص در ۲۵ سال اخیر نظر انداخته شود، در نخستین گام و اولین اقدام در مورد از دیدگاه و موضع منافع ملی و تأمین امنیت در افغانستان، به کلی ترین مسایل نگاه خواهیم نمود. بصورت عملی، بروز خطر و گسترش ناامنی نه تنها در محدوده افغانستان باقی خواهد ماند، بلکه در گام نخست، منطقه و ناحیه مشخص و بعداً به بسا نقاط و سایر اکناف جهان نیز سرایت خواهد نمود. در این مقطع قابل یادآوری میباشد که وضع، غیر از آنچه تذکر داده شد، نخواهد بود، چه ظهور بخش اعظم برخوردهای مسلحانه محلی و منطوقی بمثابة نتیجه مخالفتها جهانی محسوب میگردد. این برخوردهای مسلحانه محلی و منطوقی بشکلی از اشکال در خدمت مخالفتها و تضادهای جهانی قرار میگیرد. بصورت عملی، گردانندگان آنها در پی آنند تا با استفاده از وسایل مختلف، حاکمیت جهانی بازیگران عمده نظامی- سیاسی را تأمین نمایند.

متذکر باید شد که همه تصادمات و برخوردهای نظامی کنونی در جهان معاصر، بصورت انکارناپذیری این مدرک را بدست میدهد که هر تصادم و برخوردی از نوع یاد شده، بخصوص پس از فروپاشی بلاک شرق، باید در نحوه ارتباط و مناسبات آنها با غرب و همونوا با ستراتیژی غربی مورد ارزیابی قرار داده شود. باکمال تأسف باید اظهار داشت که در شرایط کنونی، کوچکترین نشانه ای از دورنمای تخفیف تشنجات و کاهش برخوردهای نظامی در کشورها و نواحی مختلف جهان بنظر نمیرسد. البته در مورد ذکر شده دلایل و علل مختلفی موجود میباشد.

اولاً، این کاملاً واضح و مبرهن است که کشورهای قدرتمند جهان، بیشتر بمنظور تطبیق عملی فیصله هایشان وحل و فصل معضلات و مشکلات موجود به قوه متوسل میگردند. بسیاری از سیاستگران و سیاست شناسان غربی با مسأله فوق آشنایی کامل دارند. طی مقاله ای که در نشریه گلوبل ریسرچ در اواخر ماه جنوری سال روان به نشر رسید، ستیفان لیندمن مقاله نویس امریکایی چنین نوشت: «مقامات ایالات متحده امریکا بهر طریق ممکن و با استفاده از این شیوه ها و رفت و آمدهای پیهم و مکرر به کشورهای دیگر، در صدد آنند تا سرحدات امپراطوری ایالات متحده را تازمانیکه به حاکمیت جهانی دست یابند، گسترش بخشیده و بمنظور دستیابی باین مهم حاضر اند حتی جنگ ذروی را علیه روسیه و ایران براه اندازند». بگفته نامبرده، در طول تاریخ بشریت هیچ دولت و حکومتی به اندازه و معیار حاکمیت کنونی ایالات متحده، تهدید و خطر را متوجه صلح و ثبات جهان و جهانیان ننموده است. شعله های سرکش جنگ در بسیاری از نقاط جهان، همچنان قربانی میگیرد. این جنگها عمدتاً علیه دشمنان ساختگی صورت میگیرد. جنگها و برخوردهای نظامی، خطر همیشگی علیه بشریت بمفهوم وسیع کلمه محسوب میگردد.

ثانیاً، فروری و برهم خوردن توازن قوا در سطح بین المللی و پاسخ جامعه جهانی به شرایط حاد و عدم ثبات وضعیت و حالت نظامی- سیاسی در کشورها و در مجموع در مناطق مختلف جهان. چنین سیستمی در شرایط کنونی اصلاً وجود ندارد، اگرچه در چهار دیواری سازمان ملل متحد و سازمانهای بین المللی، بصورت دوامدار بحثها و گفتگوهای پرحرارتی در مورد سرنوشت جهان براه انداخته میشود و تعداد بسیار زیادی از کشورها با ملاحظات منافع کوتاه مدت شان، بعوض آنکه بر علیه سیاستهای تعرضی ایالات متحده امریکا، صدای اعتراض شانرا بلند نمایند، بساده گی و با عجله به مدافعه از سیاستهای تعرضی کشور اخیر الذکر مبادرت میورزند.

ثالثاً، نقش سازمانهای بین المللی و سازمانهاییکه پس از جنگ جهانی دوم بمنظور حل و فصل مسایل مورد اختلاف و حفظ و تحکیم صلح، امنیت بین المللی و جلوگیری از برخوردهای مسلحانه ایجاد گردیده اند، یا کاهش یافته و یا بطور قابل توجهی تضعیف گردیده.

کنون زمین های بازی این سازمانهای بین المللی نه بمنظور حل و فصل منصفانه و عادلانه قضایا و نه بمنظور دفاع از صلح و امنیت جهانی، بلکه بمنظور دستیابی به اهداف و منافع ستراتیژیک قدرتهای غربی مورد استفاده قرار داده میشود.

رابعاً، در شرایط کنونی زمینه آن فراهم گردیده تا ادعا نمود که تحریک و در عین زمان پشتیبانی غرب از بحرانهای سیاسی داخلی و منطقوی و برخوردهای نظامی، بصورت تمام عیار، بخشی از ستراتیژی عمومی غرب را در امر وسعت بخشیدن کنترول و نظارت بر جهان، تسلط بر منابع و ذخایر آن و اجرای عملی پروگرامهای سیاسی و اشنگتن، لندن و کشورهای بروسل تشکیل میدهد.